



چند روز است درگیر مطالعه و تجزیه و تحلیل روزنامه‌های مختلف کشور هستم و بیشتر وقتم را در این چند روز این‌گونه گذرانده‌ام. بیشتر قدمم از این مطالعات این بوده است...



از کودکی همیشه در این رویا بودم که بازیکن خوبی در فوتبال ایران باشم و فردی موثر در جامعه قلمداد شوم و زمانی که از من یسادی می‌کنند به بهترین شکل خطاب شوم...



همه انسان‌ها در این فکر هستند که از عقل و تعقل به اندازه کافی برخوردار هستند و در کارهایشان عمدتاً کار درست را انجام می‌دهند این به صورت یک اشتباه عمیق می‌تواند اطلاق شود...



آنچه کاربران فضای مجازی از مسئولیت اجتماعی می‌گویند

## واینک انسان



### نگاه ۱

#### بهره‌کشی از کودکان برای تولید توپ‌های فوتبال

بر اساس گزارش‌های منتشر شده امروزه حدود ۸۰ درصد توپ‌های فوتبالی که در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند توسط کودکان کار در کشورهای توسعه‌نیافته و از جمله در پاکستان تولید می‌شوند. ۷۵ درصد از این حجم تولید که معادل ۶۰ درصد از کل تولید توپ فوتبال در جهان می‌شود، در شهر سیالکوٹ پاکستان صورت می‌گیرد. در این شهر، هزاران کودک بین سنین ۵ تا ۱۴ سال جهت امرار معاش خود و هزینه زندگی خانواده‌هایشان مجبور هستند ۱۰ تا ۱۱ ساعت در روز در مراکز دوخت توپ کار کنند. دستمزد این کودکان در ازای دوخت هر توپ تنها حدود ۶۰ سنت است.

### نگاه ۲

#### لباس‌هایم را کثیف کردم

فرزند عزیزم آن زمان که مرا پسر و از کار افتاده یافتم، اگر هنگام غذا خوردن لباس‌هایم را کثیف کردم و یا نتوانستم لباس‌هایم را بپوشم، اگر صحبت‌هایم تکراری و خسته‌کننده است، صورتش و در کمر کن، یادت بیآور وقتی کوچک بودی مجبور بودم روزی چند بار لباس‌هایت را عوض کنم، برای سرگرمی یا خواباندن تو مجبور شدم بارها و بارها داستانی را برایت تعریف کنم؛ وقتی نمی‌خواهم به حمام بروم مرا سرزنش و شرم‌دهنده نکن؛ وقتی بی‌خبر از پیشرفت‌ها و دنیای امروز سوالاتی می‌کنم، با تمسخر به من ننگر؛ وقتی برای ادای کلمات یا مطلبی حافظه‌ام یاری نمی‌کند، فرصت بده و عصبانی نشو؛ وقتی پاهایم توان راه رفتن ندارند، دستانت را به من بده، همان‌گونه که تو اولین قدم‌هایت را کنار من برمی‌داشتی. زمانی که می‌گویم دیگر نمی‌خواهم زنده بمانم و می‌خواهم بمیرم، عصبانی نشو؛ روزی خود می‌فهمی از این که در کنارت و مزاحم تو هستم، خسته و عصبانی نشو. یاری ام کن همان‌گونه که من یساری‌ات کردم. کمک کن تا با تیرو و شکیبایی تو این راه را به پایان برسانم.

### نگاه ۳

#### دوباره بیداریم شده

بعد از دو هفته آمده‌ام. از در که وارد می‌شوم می‌پرند روی سرم. می‌گویند چه عجب دوباره بیداریم شده. فرزانه می‌پرسد: مریضی تون خوب شد؟ چه تون شده بود؟ پاسخی برایش ندارم. هنوز زود است که بفهمد چقدر چیزها توی زندگی هست که نمی‌تواند دربارش حرف بزند و باید در مقابلش سکوت کند. شاهرخ گونهایش را می‌چسباند به گونه‌ام و تاسی‌نانه رهایش نمی‌کند. می‌گویم که دلم برایشان تنگ شده. می‌پرسند: امروز کتابخوانی داریم؟ می‌گویم: نه، باید به حساب و کتاب‌های خانه برسیم. چهره‌شان در هم می‌شود. کوثر می‌آید. مرتب‌ترین و باهوش‌ترین بچه کلاس. کلاس دوم است. مرا که می‌بیند جیغ می‌زند. او را هم به آغوش‌ام راه می‌دهم. می‌پرسد: امروز هم از اون کاغذها می‌چسبونیم؟ منظورش کاغذ امانت کتاب‌هاست که می‌دهم

### نگاه ۴

#### هم خنده هم گریه

هم خندم می‌گیره هم گریه‌ام و بیشتر گریه و بغض و ناراحتی! همیشه دنبال درست کردن اوضاعیم!!! اما هرگز به بهبود فرهنگمون فکر نمی‌کنیم... «من افتخار می‌کنم به این که خانواده یک فرد اوتیستیک هستم» این جمله رو که ۲۹۰ بار شیر شده

### نگاه ۵

#### شهروندی

چقدر خوشحالم که بالاخره سگ‌های ولگرد کشته نمی‌شوند به وجود چنین شهروندان مسئولی در شهرم افتخار می‌کنم.

### در بچه

#### یک بحث زنانه

همیشه از آرایشگاه‌های زنانه فرار کردم. تحمل فضای به اصطلاح «خاله‌زنک» و پر از کلیشه‌های جنسیت‌پیش را ندارم. به نظرم آرایشگاه‌های زنانه پر شده از رقابت‌های کثیف و زیرآب‌زدن‌های کثیف‌تر. اما چند ماهیبه محیطی بدتر از آرایشگاه زنانه پیدا کردم؛ رسانه. اگر رفتار زن‌ها همیشه از آرایشگاه‌های زنانه فرار کردم. تحمل فضای به اصطلاح «خاله‌زنک» و پر از کلیشه‌های جنسیت‌پیش را ندارم. به نظرم آرایشگاه‌های زنانه پر شده از رقابت‌های کثیف و زیرآب‌زدن‌های کثیف‌تر. اما چند ماهیبه محیطی بدتر از آرایشگاه زنانه پیدا کردم؛ رسانه. اگر رفتار زن‌ها

از ساتی‌مانتالیسم نگاه می‌شد و باور عموم عمیق فاجعه را درک نمی‌کرد امروز تبدیل به یک دغدغه جدی شده است؛ کمبود آب، خشکی دریاچه ارومیه، قطع بی‌رویه درختان، بیابان‌زایی و به تبع آن گسترش پدیده گرد و غبار، شکار گونه‌های نادر جانوری و دست آخر استفاده از خودرو تک‌سرنشین و افزایش آلودگی هوا هر روز در نوشته‌های منتشر شده شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شوند. به یقین می‌توان گفت آنچه باعث شده که امروز طیف وسیعی از مردم با جریان‌های حمایت از محیط زیست همراه باشند و هر یک از آنها به عنوان یک تربیون مستقل داد حمایت از طبیعت‌ساز دهند وجود همین شبکه‌های اجتماعی است.

رسیدند. این آگاهی با امکان تبادل نظر و گفت‌وگو با کمترین امکانات فرصت تحلیل و ابراز عقیده را فراهم کرد. به این شکل بود که شبکه‌های اجتماعی مرز مشخص بین مردم و روشنفکران را کمرنگ کردند. به گونه‌ای که امروز شاهد آن هستیم که حرکت‌های ضد جنگ، اعتراض‌های مردمی علیه سیاست‌های نژادپرستانه و... از همین طریق راهبری می‌شود و در نتیجه افراد با بینش عمیق‌تری که حاصل حضور در شبکه‌های اجتماعی است به این جریان‌ها می‌پیوندند. این حوزه‌ها از موارد عمده تفاوت بین مردم و روشنفکران بود. علاوه بر این دغدغه‌های زیست‌محیطی را می‌توان ذکر کرد. چیزی که در گذشته به آن شبیه یک زیست‌ناشی

| طرح نو | روشنفکری پدیده گنگی برای عامه مردم بود. در گذشته‌ای نه چندان دور عموم افراد جامعه در پاره‌ای از موضوعات اساسی خود را صاحب نظر نمی‌دانستند. این موضوعات اساسی نقل محافل روشنفکری بود و فاصله زیادی از مردم داشت. مباحث پیچیده‌ای که در مطبوعات خاص مطرح می‌شد و نویسندگان و خوانندگان خاصی داشت که عامه افراد جامعه خود را از آنها جدا می‌دانستند؛ حتی می‌شود گفت جرأت نزدیک شدن به این حوزه‌ها را نداشتند. با توسعه شبکه‌های اجتماعی و توزیع بی‌حد اطلاعات رفته‌رفته گروه کثیری از مردم به آگاهی نسبت به حوزه‌های خاصی از مباحث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی